



۱ - کدام عبارت، به نظریه کانت در مورد فعل اخلاقی مربوط نمی‌شود؟

- ۱) به فرمان عقل صورت می‌گیرد.
۲) برای انجام وظیفه اخلاقی است.
۳) ناشی از گرایش‌های عالی انسانی است.
۴) در اطاعت از وجدان و در عین حال قابل تعمیم است.

۲ - کدام عبارت درباره قوه عقل، درست است؟

- ۱) یافته‌های آن یا در ریاضیات به کار می‌رود یا در فلسفه.
۲) همه قوای شناختی را مورد مطالعه و تحلیلی قرار می‌دهد.
۳) شناخت‌های آن اساس و پایه هر نوع درک و آگاهی دیگری است.
۴) دریافت‌های آن به امور غیر محسوس و ماورای طبیعت منحصر می‌شود.

۳ - درباره کدام عبارت میان معتقدان به دیدگاه‌های مختلف اخلاقی، اختلاف نظر وجود دارد؟

- ۱) ویژگی‌هایی مانند عدالت و صداقت و رفتار براساس آنها، برای سلامت اجتماع ضروری هستند.
۲) از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز در رفتارهای خود در نظر بگیرد.
۳) تشخیص رفتار درست از نادرست و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی، از طریق عقل امکان‌پذیر می‌شود.
۴) هرگاه انسان خواهان آزادی در برابر دیگران باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او همان قدر آزاد باشند.

۴ - کدام عبارت با نظرات کانت در مورد شناخت سازگار است؟

- ۱) اگر داده‌های حسی، یعنی آنچه که از طریق حس به ما می‌رسد وجود نداشت، ما قادر به شناخت هیچ واقعیتی نبودیم.
۲) مفهوم علیت، مفهومی است که ابتدا قوه ادراکی انسان می‌فهمد و سپس آن را به پدیده‌های خارجی تعمیم می‌دهد.
۳) درک مصادیق علیت به واسطه حواس صورت می‌گیرد اما مفهوم علیت را دستگاه ادراکی انسان می‌سازد.
۴) ما برای تصور مفاهیمی مانند مکان و زمان، ابتدا باید اشیاء دارای مکان یا زمانمند را درک کنیم.

۵ - کدام عبارت درست است؟

- ۱) شخصی که بتواند نظرات خود را مستدل کند، فیلسوف است.
۲) برای تفکر یا فهم فلسفی، ضرورتی ندارد دانش فلسفه آموخته باشیم.
۳) فیلسوف حقیقی، همواره می‌کوشد تا واقعیت‌ها را با باورهای خود هماهنگ کند.
۴) هرگاه تعجب انسان در اثر یک عامل برانگیخته شود، با یک سؤال فلسفی مواجه می‌شود.

۶ - موضوع انسان‌شناسی فلسفی کدام است؟

- ۱) «خود» به معنای آنچه که هرکس از خود درمی‌یابد.
۲) ماهیت تفکر، به عنوان عالی‌ترین ویژگی انسان
۳) چیستی انسان و جایگاه او در عالم هستی
۴) روان به عنوان منشأ احساسات و رفتارها

۷ - کدام عبارت، درباره فیلسوفان و تفکر فلسفی درست است؟

- ۱) رسیدن به شناخت درستی از واقعیت، مستلزم پرهیز از مغالطه است؛ از این رو، فیلسوفان با مغالطه‌ها سروکار دارند.
۲) فیلسوف می‌خواهد خود را از بند عادات نابخردانه، پیش‌داوری و تعصب برهاند و هدف او از کشف حقیقت، همین است.
۳) انسان موجودی کنجکاو و متفکر است؛ کسانی که سؤالات و کنجکاو‌های خود را به‌نحو جدی پیگیری می‌کنند، اهل تفکر فلسفی‌اند.
۴) فیلسوف کسی است که در موقعیت‌های گوناگون زندگی می‌اندیشد و باورهای منظم و پیوسته دارد. هرچند استدلالی نداشته باشد.

۸ - کدام توصیف درباره واقعیت‌هایی که توسط عقل فهمیده می‌شود، درست است؟

- ۱) فقط از راه تفکر و استدلال قابل دستیابی است.
۲) قلمرو کاربرد آن منحصر به شناخت عقلی است.
۳) موجود مادی و محسوس موضوع آن قرار نمی‌گیرد.
۴) اساس همه انواع دانش‌های بشری را تشکیل می‌دهد.

۹ - کدام عبارت درست است؟

- ۱) از نظر افلاطون «نفس» بارزترین دارایی انسان و جزئی از عقل او است که قابل رؤیت نیست.
- ۲) کانت و دکارت در این امر اتفاق نظر دارند که نفس انسان از قوانین فیزیکی تبعیت نمی‌کند.
- ۳) وجه مشترک هابز و دکارت در انسان‌شناسی این است که هر دو، انسان را یک ماشین پیچیده می‌دانند.
- ۴) داروینیست‌ها نظریه داروین را در مورد منشأ پیدایش حیات پذیرفته و بنابراین رعایت اصول اخلاقی را ضروری نمی‌دانند.

۱۰ - کدام مورد، عبارت را به نحو مناسب‌تری تکمیل می‌کند؟

«گفت‌وگوهای سوفسطائیان، جهت بحث‌های فلسفی را برگرداند؛ سقراط برخلاف که در پی تحلیل بودند، به توجه داشت.»

- ۱) به سوی اقسام مغالطه‌ها - فیلسوفان اولیه - حرکت و سکون - مسائل اساسی جامعه
- ۲) از مسائل هستی‌شناسی - فیلسوفان ایونی - تغییرات هستی - انسان و مسائلش
- ۳) از دگرگونی‌های طبیعی - سوفسطائیان - مسئله شناخت - خیر و شر اخلاقی
- ۴) به سوی انسان و مسائلش - آنان - ادراک حسی - عقل و شناخت عقلانی

۱۱ - این موضوع که ما متوجه خطای خود می‌شویم؛ به کدام پرسش پاسخ می‌دهد؟

- ۱) حدود و قلمرو شناخت‌های ما چقدر است؟
- ۲) چگونه می‌توانیم خطا را از حقیقت تشخیص دهیم؟
- ۳) شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند؟
- ۴) آیا ما می‌توانیم نسبت به موجودات جهان آگاهی پیدا کنیم؟

۱۲ - کدام عبارت درست است؟

- ۱) به باور ابن‌سینا، روح انسان یک موجود ماوراء طبیعی است که در مرحله جنین کامل، به او تعلق می‌یابد و تا پایان حیات زمینی، بدن را همراهی می‌کند.
- ۲) ملاصدرا روح انسان را از بدن مستقل نمی‌داند و آن را نتیجه تکامل بدن می‌داند؛ بنابراین ویژگی خاص انسان این است که از پیچیدگی بسیار زیادی برخوردار است.
- ۳) سهروردی که به جای «وجود» از مفهوم نور استفاده می‌کند، نفس را آمیخته‌ای از نور و ظلمت می‌داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجا است.
- ۴) فیلسوفان مسلمان چون ابن‌سینا و دیگران، علاوه بر استفاده از آموزه‌های افلاطون و ارسطو، به این شهود رسیده بودند که روح را موجودی مجرد و مسجود فرشتگان ببینند.

۱۳ - کدام عبارت بیانگر کارکرد ویژه عقل، نسبت به سایر قوا و ابزارهای شناخت است؟

- ۱) شناخت حقایق غیرمحسوس و ماوراء طبیعی
- ۲) تشخیص موارد استفاده از اشیاء گوناگون
- ۳) کسب مقدمات استدلال‌های قیاسی
- ۴) بررسی و تحلیل یافته‌های حسی

۱۴ - کدام تشبیه برای بیان نسبت میان حقیقت انسان با بدنش، نزد معتقدین به «انسان تک‌ساحتی»، مناسب‌تر است؟

- ۱) راننده اتومبیل با اتومبیلش
- ۲) آب با اجزای تشکیل‌دهنده‌اش
- ۳) جوانه با بذری که از آن سر می‌زند
- ۴) بخار آب با ظرفی که آن را به حرکت وامی‌دارد

۱۵ - کدام بیت با نظر افلاطون درباره معیار فعل اخلاقی مناسب‌تری دارد؟

- ۱) الا تا نیچی سر از عدل و رای / که مردم ز دست نیچند پای
- ۲) از خرد غافل شود بر بد تند / بعد آن عقلش ملامت کند
- ۳) هین مدو اندر پی نفس چو زاغ / کو به گورستان برد نه سوی باغ
- ۴) صفت پیشروان ره عقل / آزر را پشت سر انداختن

۱۶ - در کدام عبارت فقط به بخش ریشه‌ای فلسفه پرداخته شده است؟

- ۱) به نظر افلاطون همه ما خیر و زیبایی برین را می‌شناسیم؛ زیرا با دیده درون می‌توان حقایق الهی را مشاهده کرد و نقش تربیت شکوفا کردن همین جنبه الهی است.
- ۲) سقراط می‌گفت که یک نیروی فوق بشری همواره مراقب اوست و او را از بعضی کارها یا سخنان منع می‌کند. او گاهی سخنش را به این دلیل که ندای غیبی مانع اوست، ناتمام می‌گذاشت.
- ۳) پروتاگوراس می‌گفت: درباره خدایان، مطمئن نیستم که هستند یا نیستند یا به چه چیزی شبیه‌اند؛ زیرا ابهام موضوع و کوتاهی عمر بشر، مانع معرفت یقینی است.
- ۴) سقراط در پاسخ این سؤال که پس از مرگ چگونه تو را به خاک بسپاریم می‌گفت: اگر توانستید مرا نگه دارید و از چنگ شما نگریختم، هرگونه که می‌خواهید به خاک بسپارید.

۱۷ - کدام عبارت برای یک فرد نسبی‌گرا غیر قابل تأیید است؟

- ۱) شناخت افراد می‌تواند نسبت به خودشان معتبر باشد.
- ۲) کاربرد ما از یک باور است که اعتبار آن را تعیین می‌کند.
- ۳) از طریق حس و تجربه است که می‌توان واقعیات را شناخت.
- ۴) انسان ابزارهای لازم برای شناخت پاره‌ای از مسائل را ندارد.

۱۸ - کدام عبارت به نظریه افلاطون درباره معیار فضیلت، مربوط نمی‌شود؟

- ۱) کاری که ناشی از اعتدال باشد.
- ۲) آنچه که باعث سعادت آدمی شود.
- ۳) کاری که به فرمان عقل صورت گیرد.
- ۴) کاری که برای رسیدن به سعادت انجام شود.

۱۹ - کدام عبارت درست است؟

- ۱) با تأمل فیلسوفانه در شاخه‌هایی از فلسفه مانند فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق، دانش‌هایی چون تاریخ و حقوق شکل می‌گیرد.
- ۲) فلسفه‌های مضاف در عین این که مسائل مشترک میان علوم و فلسفه را مطرح می‌کنند، بنیان‌های عقلی علوم نیز هستند.
- ۳) امکان شناخت وجود، فرع بر معرفت آن است و به همین دلیل یکی از مسائل فلسفه، امکان یا عدم امکان شناخت است.
- ۴) آن دسته از دانش‌هایی که قوانین بنیادی علوم را به وجودشناسی منتقل می‌سازند، شاخه‌های فلسفه هستند.

۲۰ - تأکید بر نقش عقل در درک حرکت و سکون و «توجه به حرکت، به عنوان جمع امور ناسازگار»، به ترتیب، به کدام فیلسوف مربوط می‌شود؟

- ۱) پارمنیدس - هراکلیتوس
- ۲) هراکلیتوس - پارمنیدس
- ۳) پارمنیدس - پارمنیدس
- ۴) هراکلیتوس - هراکلیتوس

۲۱ - کدام عبارت در مورد امکان شناخت و مسائل مربوط به آن، قابل پذیرش است؟

- ۱) رفتار انسان با موجودات جهان، نشان می‌دهد که قدرت شناخت خود را باور دارد.
- ۲) شناخت، امری امکان‌پذیر است؛ پس چیزی وجود ندارد که بشر قادر به شناخت آن نباشد.
- ۳) این باور که انسان نمی‌تواند به همه خصوصیات موجودات دست یابد، نسبت شناخت را در پی دارد.
- ۴) تفاوت میان شناخت افراد از یک موضوع، نشان می‌دهد که شناخت هر کس، نسبت به خودش معتبر است.

۲۲ - با توجه به نظرات افلاطون در مورد انسان و حقیقت او، کدام عبارت پذیرفتنی است؟

- ۱) هر موجود زنده و دارای نفس، یک جزء نامرئی به نام عقل دارد.
- ۲) نفس انسان در هنگام تولد تحقق ندارد، بلکه به تدریج ایجاد شده و به فعلیت می‌رسد.
- ۳) درک این مطلب که «یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد» به نفس انسانی مربوط است.
- ۴) از میان موجودات، فقط انسان دارای حقیقت برتری است که محدودیت‌های ماده را ندارد.

۲۳ - کدام عبارت با نظرات اخلاقی فیلسوفان مسلمان سازگار نیست؟

- ۱) منشاء گرایش به نیکی و گریز از بدی، عقل نظری و عامل تشخیص و عمل به آن، عقل عملی است.
- ۲) داشتن ویژگی‌هایی مانند انصاف و صداقت و رفتار بر اساس آنها، در جهت سلامت اجتماع و خیر افراد است.
- ۳) شرط تشخیص رفتار درست از نادرست و دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی، سلامت و اعتدال عقل است.
- ۴) گرایش‌های اخلاقی آدمی مانند دو کفه یک ترازو هستند و انگیزه‌ها، باعث سنگینی یکی نسبت به دیگری می‌شود.

۲۴ - در کدام مورد، مراحل رسیدن به درک و دریافت فلسفی از یک موضوع، به درستی بیان شده است؟

- ۱) اختلاف نظر متفکران در مورد سعادت ← سعادت چیست؟ ← اعتدال میان قوا، عامل سعادت انسان است. ← سعادت انسان مشروط به وجود عالم آخرت است.
- ۲) آیا علیت در سراسر هستی جاری است؟ ← این عالم یک پدیده است، پس حتماً علتی دارد. ← پیر شدن انسان چه علتی دارد؟ ← چون انسان دارای بدن مادی است، پیر می‌شود.
- ۳) از دنیا رفتن یکی از اطرافیان ← آیا مرگ، نابودی و نیستی است؟ ← انسان دارای نفس غیرمادی است. ← مرگ انتقال از عالم ماده به عالمی دیگر است.
- ۴) مشاهده یک دختر بچه دستفروش ← آیا عدالت در مورد این دختر بچه تحقق یافته است؟ ← چگونه می‌توان فقر را در جامعه کاهش داد؟ ← عدالت، قرار گرفتن هر کس در جای مناسب خویش است.

۲۵ - کدام یک، هدف اصلی طرح تمثیل غار را بیان می‌کند؟

- ۱) توصیف چگونگی اسارت انسان در بند عادت‌ها
- ۲) نشان دادن نقش عقل در رهایی از جهل
- ۳) بیان تدریجی بودن سیر عقلانی به سوی حقیقت
- ۴) نشان دادن نقش تعصبات در دوری از حقیقت

۲۶ - کدام مورد، عبارت زیر را به نحو مناسب تکمیل می‌کند؟

«برخلاف فیلسوفان ایونی، مورد توجه سقراط او به مسائل مربوط به توجه داشت و همین مطلب، وجه او با سوفسطائیان بود.»

- ۱) هستی و نیستی - نبود - انسان - اشتراک
- ۲) حقیقت انسان - بود - سعادت - تفاوت
- ۳) تغییرات طبیعت - نبود - فضیلت و رذیلت - اشتراک
- ۴) مسئله حقیقت و خطا - بود - اخلاق و سیاست - تفاوت

۲۷ - کدام مورد، عبارت روبه‌رو را به درستی کامل نمی‌کند؟ «هرگاه شخصی»

- ۱) بداند که خطا می‌کند، پس توانایی رسیدن به حقیقت را دارد
- ۲) اصل دانستن را انکار کند، باید حقیقت و خطا نزد او یکسان باشد
- ۳) در اصل دانستن شک کند، هیچ دانشی در ذهن او شکل نمی‌گیرد
- ۴) تصور کند که نمی‌تواند شناخت‌هایش را منتقل کند، نباید سخن بگوید

۲۸ - در کدام عبارت، اساس و شالوده بودن فلسفه‌های مضاف برای نظریات علمی نمایان است؟

- ۱) عوالم مجرد از ماده نیز وجود دارند و با توجه به اینکه نفس انسان تابع قوانین فیزیکی نیست، به عالم مجرد از ماده تعلق دارد.
- ۲) برای پیشرفت جامعه، مالکیت خصوصی باید محترم شمرده شود؛ زیرا جامعه مجموعه افرادی است که کنار هم زندگی می‌کنند.
- ۳) براساس شواهد تاریخی، انسان توانایی تأثیر گذاری بر جامعه و تغییر آن را دارد؛ بنابراین دارای قدرت اختیار و تصمیم‌گیری است.
- ۴) با توجه به گستردگی ابعاد و ژرفای حقیقت انسان، با تأمل در نفس می‌توان برخی از قوانین بنیادی هستی را درک کرد.

۲۹ - با توجه به تمثیل غار افلاطون، کدام عبارت درست است؟

- ۱) زندانیان درون غار، از واقعیت همه موجودات به جز خودشان بی‌خبرند.
- ۲) زندانیان تا وقتی که در غار اسیرند، توان درک نشانه‌های واقعیت بیرونی را ندارند.
- ۳) شخصی که زندانی را یاری می‌کند تا از غار خارج شود و به تدریج به روشنی خو کند، نماد عقل است.
- ۴) اگر یکی از زندانیان به‌طور اتفاقی از بند رها شود، دیگر حاضر به بازگشت به جایگاه قبلی خود نیست.

پاسخنامه تشریحی

۱ - گزینه ۳ کانت عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در وجدان اخلاقی، جست‌وجو کرد. کانت می‌گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می‌کند. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ‌گونه منفعت شخصی در آن نداشته باشد. خیر اخلاقی شمرده می‌شود.

۲ - گزینه ۲ انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او با کمک این قوه می‌تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست. این حقایق هم می‌تواند امور محسوس و هم امور غیرمحسوس را دربرگیرد.

عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد. توانایی عقل به انسان امکان می‌دهد تا یافته‌هایی سودمند درباره‌ی کل هستی که امکان درک تجربی آن هیچ‌گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این یافته‌های عقلانی را اساس سایر تلاش‌ها قرار دهد.

۳ - گزینه ۳ ابزار شناخت رفتارهای اخلاقی و دستیابی به سعادت جایی است که مکاتب مختلف اخلاقی بر سر آن اجماع ندارند. مثلاً افلاطون و ارسطو و فیلسوفان مسلمان عقل را برای شناخت این امور کافی می‌دانند، اما یک فیلسوف تجربه‌گرا نمی‌تواند چنین چیزی را قبول کند. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «۱»: تمام مکاتب مختلف اخلاقی فضایی مانند عدالت را برای سلامت اجتماع ضروری می‌دانند، تفاوت آنها در شیوه‌ی توصیف و تبیین فضایل و قواعد اخلاقی است. گزینه ۲: «۲»: «ناگزیر بودن» رعایت منافع دیگران هم در تمام مکاتب اخلاقی هست، تفاوت در اینجاست که هر مکتب این «ناگزیر بودن» را به نحوی متفاوت توضیح می‌دهد.

گزینه ۴: «۴»: این گزاره بیانی دیگر از قاعده‌ی اخلاقی «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند» است که مکاتب اخلاقی در اصل این گزاره اختلافی ندارد.

۴ - گزینه ۱ ایمانوئل کانت با طرح نظریه‌ی جدید کوشش کرد، هم اعتبار عقل و هم اعتبار تجربه را توأمان اثبات کند و نشان دهد که معرفت حاصل همکاری عقل و حس است. (تأیید گزینه ۱)

رد گزینه ۲: به نظر کانت انسان آنچه را از طریق حس به او می‌رسد در قالب این مفاهیم درک می‌کند، نه اینکه ابتدا این مفاهیم را بفهمد و سپس آنها را به پدیده‌های خارجی تعمیم دهد.

رد گزینه ۳: به عنوان مثال: انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی‌یابد؛ اما وقتی می‌تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن شدن زمین است که به کمک مفهوم علت که خودش در دستگاه ادراکی موجود است و از خارج گرفته نشده نه اینکه دستگاه ادراکی آن را بسازد. میان تصور طلوع خورشید و تصور روشن شدن زمین رابطه برقرار کند.

رد گزینه ۴: به نظر ایمانوئل کانت قوه‌ی ادراکی انسان تصوراتی مثل: زمان؛ مکان و مفاهیمی مانند: علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد.

۵ - گزینه ۲ اگر انسانی از مرحله‌ی اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته‌ی دوم پرداخت، وارد مرتبه‌ی دوم تفکر شده که می‌توان آن را تفکر فلسفی نامید. این انسان ممکن است یک کارگر یا فیزیک‌دان یا پزشک یا دانشجو و دانش‌آموز باشد. اما همین که وارد این وادی شد و چنین پرسش‌هایی را جدی گرفته و به دنبال یافتن پاسخ برآمده، در حال تمرین تفکر فلسفی است.

۶ - گزینه ۳ یک بخش از مباحث مربوط به فلسفه، تفکر فلسفی درباره‌ی انسان یا «انسان‌شناسی فلسفی» است. این شاخه از فلسفه به مسائل مهم و بنیادین درباره‌ی انسان، از قبیل چیستی انسان، جایگاه او در جهان، آینده‌ی وی و نیز ویژگی‌های متمایز انسان و هویت انسانی او می‌پردازد.

۷ - گزینه ۱ این سؤال مربوط به برخی فواید تفکر فلسفی می‌باشد. یکی از فواید تفکر فلسفی، دوری از مغالطه‌ها است. فلسفه از توانایی منطقی کمک می‌گیرد تا اندیشه‌های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد.

گزینه ۲: هدف فیلسوف، کشف حقیقت نیست.

گزینه ۳: هر کنجکاوی، فلسفی نیست.

گزینه ۴: فیلسوف تابع استدلال است و باوری که استدلال نداشته باشد، نمی‌پذیرد.

۸ - گزینه ۴ انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او با کمک این قوه می‌تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست.

این حقایق می‌تواند امور محسوس و طبیعی را شامل شود و هم امور غیرمحسوس و غیرطبیعی را دربرمی‌گیرد. (رد گزینه ۳). نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می‌تواند حالات درونی مانند شادی و درد و ... را شناسایی کند و درباره‌ی آنها نظر دهد. (رد گزینه ۱ و ۲). قدرت و توانایی عقل، به انسان امکان می‌دهد تا یافته‌هایی سودمند درباره‌ی کل هستی که امکان درک تجربی آن هیچ‌گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این یافته‌های عقلانی را اساس سایر دانش‌ها قرار دهند و پایه‌های زندگی خود را بر آنها استوار سازد.

۹ - گزینه ۲ دکارت می‌گوید: روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از

قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست. کانت هم ثابت می‌کند، نفس مختار و اراده انسان، آزاد است.

۱ - گزینه ۲ قبل از سوفیست‌ها (سوفسطائیان) مباحث فلسفی بیشتر دربارهٔ دگرگونی‌ها و تحولات طبیعت یا هستی «در دیدگاه فلاسفه پیش از سقراط یا معاصر با ایشان؛ مانند: تالس، هراکلیتوس، فیثاغوث و پارمنیدس» بود، ولی سوفیست‌ها با بی‌ارزش دانستن این مباحث به جهت اختلافات فکری اندیشمندان جهت مباحث فلسفی را از مسائل هستی‌شناسی برگرداندند، سقراط هم برخلاف فیلسوفان یونان باستان که در پی تحلیل تغییرات عالم طبیعت یا هستی بودند، به انسان و مسائل انسان‌شناسی پرداخت و دربارهٔ امکان رسیدن انسان به حقیقت و نیز دربارهٔ اهمیت فضیلت به‌عنوان راه رسیدن انسان به سعادت سخن گفت. (تأیید گزینه ۲) رد گزینه ۱: بحث از مغالطه‌ها یک بحث منطقی است نه فلسفی.

رد گزینه ۳: سقراط نیز مانند سوفسطائیان به مسئلهٔ شناخت پرداخت، ولی بر خلاف آنها بر امکان رسیدن انسان به حقیقت ثابت اشیا تأکید داشت.

رد گزینه ۴: سوفسطائیان در پی تحلیل ادراک حسی نبودند؛ بلکه درک انسان را محور حقیقت قرار می‌دادند و به‌طور کلی امکان رسیدن به شناخت حقیقت ثابت را چه از راه احساس و چه از راه عقل انکار می‌کردند. حواس هم از جهت شخصی بودن ادراکات حسی مورد توجه بعضی از آنان بود؛ نه اینکه حس را معتبر بدانند و آن را تحلیل کنند.

۱۱ - گزینه ۴ همین که انسان متوجه خطای شناختی خود می‌شود، یعنی اینکه شناخت صحیح را پیدا کرده است و گرنه نمی‌فهمید که شناخت قبلی‌اش خطا بوده است.

پس نتیجه می‌گیریم درک خطا شناختی به معنای «امکان شناخت» و کسب آگاهی نسبت به موجودات جهان پیرامون است. (تأیید گزینه ۴)

رد گزینه ۱: زیرا امکان دارد به خطای شناختی خود پی ببریم، ولی همچنان از حدود و قلمرو شناخت خود بی‌اطلاع باشیم.

رد گزینه ۲: چگونگی تشخیص خطا از حقیقت بحث جداگانه‌ای دارد، پس با صرف توجه به یک یا چند خطای شناختی نمی‌توان آن را دریافت.

رد گزینه ۳: اینکه متوجه خطای شناختی بشویم، به‌طور کلی نشان می‌دهد به حقیقتی هم رسیده‌ایم، ولی این سؤال که شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند، سؤال دقیق‌تری است که نیاز به بررسی‌های معرفت‌شناختی دارد.

۱۲ - گزینه ۱ ابن‌سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دورهٔ جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همهٔ اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند.

گزینه ۲: قسمت دوم جمله مربوط به ماتریالیست‌ها (ماده‌گرایان) است نه ملاصدرا.

گزینه ۳: نفس از نظر سهروردی، از جنس انوار است.

۱۳ - گزینه ۴ بررسی گزینه‌ها:

- گزینه ۱: شناخت حقایق غیر محسوس و ماوراء طبیعی هم از طریق عقل و هم از طریق قلب (شهود قلبی یا وحی) امکان‌پذیر است. پس این گزینه رد می‌شود.

- گزینه ۲: طبق متن کتاب، این مورد از کارکردهای عقل است که بر مبنای شناخت حسی (شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا) انجام می‌پذیرد. به‌عبارت دیگر، حاصل همکاری شناخت حسی و عقلی است. حس به‌تنهایی قادر به کسب این شناخت نیست و سخنی از شناخت قلبی در این مورد در کتاب نیامده است. این گزینه مشکوک است و می‌تواند پاسخ سوال باشد.

- گزینه ۳: مقدمات استدلال قیاسی می‌تواند از منابع دیگر شناخت به دست آمده باشد، اما جمع‌آوری این مقدمات و چینش استدلال و استنتاج از آن، تنها کار عقل است و هیچ‌کدام از قوای شناختی حس و قلب، توانایی انجام چنین کاری را ندارند.

- گزینه ۴: طبق متن کتاب، این مورد از کارکردهای عقل است که بر مبنای شناخت حسی انجام می‌پذیرد و منجر به شکل‌گیری شناخت تجربی می‌شود. این تحلیل و بررسی تجربی اگرچه از کارکردهای عقل است، ولی برای رسیدن به شناخت نیازمند داده‌های حسی است.

۱۴ - گزینه ۲ معتقدین به انسان تک‌ساحتی یا همان ماتریالیست‌ها بر این باورند که حقیقت انسان را همان بدنش تشکیل می‌دهد و انسان حقیقتی غیر از آن بدن خود ندارد؛ همان‌طور که آب حقیقتی غیر از هیدروژن و اکسیژن که عناصر تشکیل‌دهنده‌اش هستند ندارد.

۱۵ - گزینه ۴ افلاطون معتقد است که ملاک فعل اخلاقی، یعنی فعلی که انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد این است که به فرمان عقل انجام شده باشد. وی بر این باور است که انسان در صورتی به سعادت می‌رسد که از دستورات عقل اطاعت کند و از آن سرپیچی نکند.

ذکر شده که اگر انسان از عقل پیروی کند، دچار آز (نوعی صفت ناپسند) نمی‌شود و اصول اخلاقی را رعایت می‌کند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

۱ - افلاطون از اذیت نشدن مردم در مقابل رفتارهای انسان سخنی نگفته است.

۲ - افلاطون از ملالت و سرزنش انسان توسط عقل سخنی نگفته است.

۳ - این عبارت ارتباطی با فعل اخلاقی و سعادت ندارد و دربارهٔ پیروی از نفسی که ویژگی‌های زاغ را دارد، بیان شده است.

۱۶ - گزینه ۳ بخشی ریشه‌ای فلسفه شامل هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌شود. دقت کنید که الهیات یا خداشناسی فلسفی نیز بخشی از هستی‌شناسی است و جدای از آن نمی‌باشد. با توجه به این موضوع باید گفت که گزینه «۳» جواب صحیح تست می‌باشد چون در بخش اول از خداشناسی صحبت شده و در بخش دوم موانع معرفت‌شناسانهٔ رسیدن به خداشناسی فلسفی را به بحث گذاشته است و در نتیجه تماماً در بخش اصلی فلسفه یا همان فلسفهٔ اولی می‌گنجد.

۱۷ - گزینه ۳ در عقیدهٔ نسبی‌گرایان هیچ شناختی یقینی و قطعی نیست؛ بلکه هر معرفتی صرفاً برای همان شخص خاص که معتقد به آن می‌باشد، معتبر است در

نتیجه این گزینه که یک امر قطعی و مطلق را ذکر کرده، در تعارض با عقیده آنها است.

همچنین نسبی‌گرایان عقیده دارند که از طریق تجربه، نمی‌توان به شناخت معتبر از واقعیت رسید.

۱۸ - گزینه ۴ از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود. از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت تحت کنترل عقل باشند با راهنمایی ...

۱۹ - گزینه ۲ از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، فلاسفه تلاش می‌کنند تا توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد.

رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: با تأمل فیلسوفانه در دانش‌های مختلف (مانند تاریخ و حقوق) شاخه‌های فلسفه (مانند فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق) شکل می‌گیرند. اما این عبارت جای علت و معلول را عوض کرده است.

- گزینه ۲: فلسفه‌های مضاف تنها به بیان قوانین بنیادی (هستی‌شناسانه) علوم مختلف می‌پردازند و مسائل مشترک میان علوم و فلسفه را مطرح نمی‌کنند.

- گزینه ۴: شاخه‌های فلسفه قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص (دانش‌های مختلف) منتقل می‌کنند، نه برعکس.

۲۰ - گزینه ۱ پارمنیدس معتقد بود که ما با یک واقعیت بدون تغییر، جاودان و فناپذیر روبه‌رو هستیم که از طریق حواس نمی‌توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی می‌توان این حقیقت را دریافت. به عبارت دیگر حواس تنها مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می‌دهد و فقط با عقل می‌توان به لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر (ساکن) و جاودانه است.

هراکلیتوس دو اندیشه مشهور داشت: وحدت اضداد (وجود امور متضاد جهان ما را می‌سازد) و تغییر و تحول دائمی جهان. او باور داشت همه چیز در سیلان و حرکت است و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. پس او به حرکت در جهان و پیدایش آن از جمع امور ناسازگار (وحدت اضداد) معتقد بود.

۲۱ - گزینه ۱ یکی از ویژگی‌های انسان، توانایی و امکان شناخت موجودات پیرامون خود و تعامل با آنها است. انسان اگر به قوه شناخت خود باور نداشت و نمی‌پذیرفت که می‌تواند نسبت به چیزهای دیگر شناختی پیدا کند، مسلماً اقدام به انجام هیچ کاری نمی‌کرد. پس رفتار روزانه او با موجودات پیرامون خود، نشان می‌دهد که قدرت شناخت خود را باور دارد.

رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: ناشناخته‌های بشر بسیار زیاد است و این موضوع با امکان شناخت منافاتی ندارد.

- گزینه ۳: شناخت بشر نسبت به دنیای پیرامون خود و موجودات آن دائماً در حال تغییر و گسترش است. این حقیقت منجر به نسبییت شناخت نمی‌شود. (نسبییت شناخت یعنی اینکه شناخت هر کس با توجه به ادراک خودش معتبر و صحیح است و ادراکات و در نتیجه شناخت افراد نسبت به یک موضوع متفاوت است.)

- گزینه ۴: اختلاف در شناخت آدم‌ها از یک موضوع واحد می‌تواند به دو دلیل باشد: ۱ - اشتباه ادراکی ۲ - بررسی جنبه‌های مختلف موضوع. این در حالی است که آن موضوع خاص، حقیقت واحدی دارد و نمی‌توان در یک زمان، چند حقیقت گوناگون از آن دریافت کرد، مگر مرتکب یکی از دو اشتباه فوق شده باشیم. پس شناخت افراد ممکن است اشتباه یا ناقص باشد.

۲۲ - گزینه ۳ درک «امتناع اجتماع نقیضین» توسط عقل صورت می‌گیرد و مربوط به حیطة شناخت عقلی است. از آنجا که افلاطون باور داشت «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است.» و «نفس جزء عقلانی انسان است.»، پس درک این موضوع که یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد به نفس انسانی مربوط است.

رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: افلاطون باور داشت هر موجود زنده و دارای عقل (مشابه تعریف انسان) یک جزء نامرئی به نام نفس دارد.

- گزینه ۲: این باور ارسطو است، نه افلاطون.

- گزینه ۴: افلاطون باور داشت مثال خیر (خالق هستی) هم حقیقتی غیرمادی دارد.

۲۳ - گزینه ۱ بنا بر دیدگاه فیلسوفان مسلمان، انسان فطرتاً فضیلت‌ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی گریزان است؛ یعنی گرایش اخلاقی او صرفاً مایل به خوبی‌ها و فضائل اخلاقی است و جنبه دوسویه ندارد. اما تمایلات انسان به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- تمایلات مادی: حاصل نیازهای مادی و حیوانی انسان

۲- تمایلات برتر: حاصل گرایش اخلاقی انسان به انجام فضائل

انسان گاهی به دلیل تلاقی تمایلات مادی و تمایلات برتر، به سوی رذیلت‌ها سوق پیدا می‌کند. اما این تغییری در گرایش اخلاقی او (علاقه به فضائل و دوری از رذائل) ایجاد نمی‌کند. سایر گزینه‌ها تا حد زیادی مطابق باور فلاسفه مسلمان است.

۲۴ - گزینه ۳ مراحل درک و دریافت فلسفی به ترتیب زیر است:

(۱) روبه‌رو شدن با مجهول‌ها و مسائل فلسفی (از دنیا رفتن یکی از اطرافیان انسان را با مسئله مرگ و جاودانگی و ... روبه‌رو می‌کند).

۲) طرح پرسش‌های فلسفی (آیا مرگ نابودی و نیستی است؟)

۳) رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات متناسب با سؤال (اینکه انسان نفسی غیرمادی دارد باعث می‌شود نیستی انسان در گرو نیستی بدن و نفس باشد، نه فقط نیستی بدن).

۴) رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت (پس مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر است، نه نابودی صرف).
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در این گزینه اگر بپذیریم که اختلاف نظر میان متفکران را می‌توان «روبه‌رو شدن با مجهولات فلسفی» دانست، باز هم دریافت فلسفی نهایی مطرح شده با اندوخته‌ای که در مرحله سوم بیان شده است تناسب ندارد.

گزینه «۲»: مرحله اول دریافت فلسفی طرح پرسش نیست، بلکه روبه‌رو شدن با مجهول فلسفی است. پرسش در مرحله دوم مطرح می‌شود.

گزینه «۴»: مرحله سوم رجوع به اندوخته‌های متناسب با پرسش فلسفی است، نه طرح پرسشی دیگر.

۲۵ - گزینه ۲ در سؤال «هدف اصلی» تمثیل غار خواسته شده است. در کتاب درسی می‌خوانیم که افلاطون تمثیل غار را برای بیان چگونگی هدایت انسان به آزادی حقیقی از رهگذر فلسفه بیان کرده است. از میان گزینه‌ها گزینه «۲» این هدف را دقیق‌تر بیان کرده است. «رهایی از جهل» همان آزادی حقیقی از منظر افلاطون است. گزینه‌های دیگر همگی در مورد تمثیل غار صحیح هستند، اما هدف اصلی آن را بیان نمی‌کنند.

۲۶ - گزینه ۲ فیلسوفان ایونی (یا ایونیایی) همان نخستین اندیشمندان یونان بودند که بیش از هر چیز با تغییرات و دگرگونی‌های طبیعت مشغول بودند. طبق گفته سیسرون، سقراط برخلاف این اندیشمندان فلسفه را از آسمان به روی زمین آورد و وارد مسائل روزمره زندگی انسان کرد. از سوی دیگر نمی‌توان گفت سقراط به هستی و نیستی توجه نداشت (رد گزینه «۱») چون بالاخره در مسائل انسانی نیز هستی و نیستی دخیل است. ضمناً فیلسوفان ایونی نیز به «حقیقت و خطا» بی‌توجه نبودند، آنها هم دغدغه حقیقت داشتند، وگرنه فیلسوف نبودند (رد گزینه «۴»). تفاوت سقراط با سوفسطاییان نیز در این بود که برای سقراط سعادت انسان و فضایل و رذایل اخلاقی مسئله بود، ولی سوفسطاییان از آنجا که انسان را ناتوان در کسب شناخت حقیقی می‌دانستند، نمی‌توانستند در این مسائل وارد شوند (رد گزینه «۳» و تأیید گزینه «۲»).

۲۷ - گزینه ۳ کسی که در اصل دانستن شک کند، یک شناخت مشخص در ذهن او شکل گرفته است و آن این است که «انسان نمی‌تواند چیزی را بشناسد». همین امر است که تناقض درونی شک مطلق را نتیجه می‌دهد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اگر شخص به خطای خود قائل باشد، پس اعتقادش این است که حقیقتی هست که این کار او در قیاس با آن خطا است. بنابراین برای خود توانایی (بالقوه) در رسیدن به حقیقت را در نظر گرفته است.

گزینه «۲»: اگر کسی اعتقادش بر این باشد که ما نمی‌توانیم چیزی را بدانیم، دیگر معیاری برای تفکیک حقیقت از خطا ندارد و این دو برای او هیچ فرقی نخواهد داشت. گزینه «۴»: اگر کسی قائل به این باشد که امکان انتقال شناخت وجود ندارد، نباید از ابزار انتقال شناخت (حرف زدن و گفت‌وگو) هم استفاده کند.

۲۸ - گزینه ۲ در دیدگاه اصالت فرد یا نگرش لیبرالیستی مطرح می‌شود، جامعه صرفاً مجموعه‌ای از افراد هستند که در کنار هم زندگی می‌کنند. این بحث مربوط به فلسفه علوم اجتماعی می‌شود؛ که جزو فلسفه‌های مضاف می‌باشد. در دیدگاه اصالت فرد مالکیت خصوصی برای پیشرفت جامعه مورد تأکید قرار می‌گیرد که منطبق بر دیدگاهی در علم اقتصاد است، پس در این عبارت اساس و شالوده بودن فلسفه‌های مضاف در نظریات علمی کاملاً مشهود است. رد گزینه ۱: وجود عوالم مجرد از ماده مربوط به ریشه فلسفه درخت است، نه فلسفه‌های مضاف یا شاخه درخت فلسفه.

رد گزینه ۳: مطالب و مفاهیمی که بر اساس شواهد، تاریخی دانسته شوند، قطعاً فلسفی نیستند و بر این اساس به فلسفه‌های مضاف هم مربوط نمی‌شوند.

رد گزینه ۴: در انسان‌شناسی فلسفی به دنبال استنباط نتایجی هستیم که به ریشه فلسفه مربوط می‌شود، نه در نظریات علمی.

انسان‌شناسی فلسفی اگرچه شاخه فلسفه است، ولی یک فلسفه مضاف نیست، زیرا در نام آن فلسفه به چیزی اضافه نشده است.

می‌دانیم؛ خدا؛ انسان و جهان سه موضوع بنیادین و اصلی در مباحث فلسفه می‌باشند.

۲۹ - گزینه ۳ فیلسوفان مدافعان اصلی عقل در تاریخ معرفی شده‌اند، چون فیلسوف به مدد عقل خود از بند عادات غیرمنطقی رها می‌شود و به واقعیت اصیل پی می‌برد و به آزادی حقیقی و شناخت واقعیت صحیح می‌رسد.

لذا شخصی که زندانی را یاری می‌کند، تا از غار خارج شود، در «تمثیل غار افلاطونی» که بیانگر «نظریه مثل» ایشان است، نماد عقل می‌باشد.

رد گزینه ۱: در این عبارت؛ زندانیان از واقعیت خودشان نیز بی‌اطلاع بوده و خبر ندارند.

رد گزینه ۲: در این عبارت زندانیان صدای موجودات بیرون غار را می‌شنیدند و سایه آنها را می‌دیدند، که اینها از نشانه‌های واقعیات بیرونی هستند.

رد گزینه ۴: در این عبارت زندانی در بدو آزادی و مواجهه با نور، به سبب دردی که برایش ایجاد می‌شود و نور واقعی که چشمش را اذیت می‌کند و چون عادت به تاریکی (نادانی) دارد، به درون غار برمی‌گردد و اعتقادش به سایه‌ها (بدل‌ها) بیشتر می‌شود، اما بعد از اینکه چشمانش به نور دانایی عادت کرد، حقایق و واقعیات را شناخت، دیگر دوست ندارد، به غار تاریکی و نادانی برگردد. هرچند یک فیلسوف برای هدایت دیگران احساس مسئولیت می‌کند و ناگزیر است، برای آگاه‌سازی آنان به غار برگردد.

پاسخنامه کلیدی

۱ - ۳

۶ - ۳

۱۱ - ۴

۱۶ - ۳

۲۱ - ۱

۲۶ - ۲

۲ - ۲

۷ - ۱

۱۲ - ۱

۱۷ - ۳

۲۲ - ۳

۲۷ - ۳

۳ - ۳

۸ - ۴

۱۳ - ۴

۱۸ - ۴

۲۳ - ۱

۲۸ - ۲

۴ - ۱

۹ - ۲

۱۴ - ۲

۱۹ - ۲

۲۴ - ۳

۲۹ - ۳

۵ - ۲

۱۰ - ۲

۱۵ - ۴

۲۰ - ۱

۲۵ - ۲